

بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری

در اشعار رضوی دعبل خزاعی

دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

مجید محمدی^۱، عاطفه بازیار^۲

چکیده

دعبل شاعر برجسته شیعی است که عشقش به امامان معصوم (علیهم‌السلام) قطعی و انکارناپذیر است. وی سراسر دیوان خویش را مزین به نام ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به‌ویژه امام رضا (علیه‌السلام) نموده و با ابزار شعر، درصدد آن است که با بیان ویژگی‌های ظاهری و معنوی امام رضا (علیه‌السلام) و شناساندن حاکمان مستبد آن دوران، ظلم و ستم به اهل بیت (علیهم‌السلام) و مظلومیت آنان را در آئینه اشعارش به تصویر بکشد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی کوشیده است جلوه‌های پایداری سروده‌های رضوی در دیوان دعبل را استخراج، بررسی و تحلیل کند. بررسی‌ها نشان داد دعوت به مبارزه، ترسیم چهره رنج‌کشیده و مظلوم امامان (علیهم‌السلام)، بیان ظلم و ستم به امام رضا (علیه‌السلام) امید به آینده و گریه در سوگ او، از جمله مؤلفه‌های مهم ادب پایداری است که دعبل در اشعار رضوی خویش به تصویر کشیده است.

کلیدواژه‌ها:

ادبیات پایداری، ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، امام رضا (علیه‌السلام)، دعبل خزاعی، شعر رضوی.

۱. استادیار گروه عربی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول): Mohammadimajid44@gmail.com
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه: Baziyar.atefeh@yahoo.com

۱- مقدمه

«ابوجعفر دعبل بن علی بن رزین خزاعی، از یاران امام رضا (علیه السلام) ادیب و شاعر مشهور شیعی، به سال ۱۴۸ ه.ق در کوفه دیده به جهان گشود.» (الفاخوری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۸۰). «او به امام زمان خویش، حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) عشق و علاقه وافری داشت و نه تنها به مدح اهل بیت و ائمه معصومین (علیهم السلام) و طرفداری از آنان و ذکر حقانیت آنها می پرداخت، بلکه با شمشیر بُران هجو، هیچ یک از خلفای عباسی معاصر خویش را بی نصیب نگذاشت که این امر یکی از علت های در به دری شاعر بود.» (ر.ک: رضایی سهل آبادی، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۷). از آنجاکه خفکان عصر عباسی هر فریادی را در نطفه خفه می کرد، به ویژه اگر در دفاع از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، سروده های دعبل در دفاع از اهل بیت (علیهم السلام) و هجو دشمنان آنان، از بارزترین جلوه های ادب پایداری است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی، کوشیده است مضامین و مؤلفه های پایداری در اشعار رضوی دعبل را استخراج، بررسی و تحلیل کند.

۱-۱ بیان مسئله

ادبیات پایداری، ایستادگی و پافشاری حق در برابر ظلم و مشوّق استقامت و پایداری در راه هدف در تمامی ادوار و اعصار است. در عمق این ادبیات، حقیقت خواهی و امید به آینده و استقامت در این مسیر، همواره در قلب کاتبان و شاعران جایگاه والایی داشته و در اشعار و آثار آنان انعکاس وسیعی داشته است.

ادبیات پایداری جلوه های گوناگونی را در شعر شاعران داشته است. برخی از شاعران با به تصویر کشیدن مظلومیت ستمدیدگان جامعه و بیان ظلم حاکمان جور در شعر خویش و افشای چهره واقعی آنان، توانسته اند گام های مؤثری را در این عرصه بردارند. از جمله این شاعران، دعبل شاعر برجسته شیعی عصر عباسی است که با احساس

عمیق شاعرانه خویش توانسته است مفاهیم والایی از مظلومیت امامان (علیهم السلام) و نمونه های برجسته ای از ستم در حق آنان را در دیوان خویش بازتاب ببخشد. «آری در زمانی دشوار که نابکاران اموی و عباسی در برابر خاندان نور (علیهم السلام) هم زبان تیغ گشودند و هم تیغ زبان، جناب دعبل، پیام این جمله زیارت مأثور را به خوبی دریافت که: «قتل الله من قتلکم بالأیدی و الألسن». و اگر زمینه و زمانه با جهاد تن تناسب نداشت، باری، با جهاد بیان، به یاری اهل بیت (علیهم السلام) شتافت (طالعی، ۱۳۹۲: ۱۷۱). مسئله اساسی این پژوهش آن است که «عنصر پایداری در شعر رضوی این شاعر چگونه تجلی یافته و برجسته ترین مؤلفه های مقاومت در آن کدام است؟»

۲-۱ پیشینه تحقیق

درباره دعبل و آثارش پژوهش های بسیاری صورت گرفته است. مقاله «اهل بیت (علیهم السلام) در دیوان دعبل خزاعی» نوشته رضایی سهل آبادی (۱۳۸۴) علاوه بر اینکه به سایر اشعار دعبل اشاراتی دارد، بیشترین تأکیدش بر قصیده تائیه وی و شرح و تفسیر نکات و ارزش های ادبی-سیاسی و مفاهیم و مضامین مندرج در آن است. مسبق و دریادل (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تطبیقی دو قصیده تائیه دعبل خزاعی و طلّاع بن رزیک در مدح اهل بیت (علیهم السلام) به بررسی تطبیقی ساختار و محتوای این دو قصیده و وجوه اشتراک و افتراق آنها از نظر معنا، موسیقی و بلاغت پرداخته اند. مقاله «سیمای امام رضا (علیه السلام) در آینه شعر دعبل خزاعی و نظیری نیشابوری» نوشته احمدی چناری و احمدی (۱۳۹۴) به بررسی اشعار این دو شاعر، از جهت بازتاب سیمای امام رضا (علیه السلام) پرداخته است. از دیگر پژوهش های انجام شده درباره شخصیت والای آن حضرت، پایان نامه «دیدگاه های ناقدان عرب درباره شخصیت و شعر شاعران برجسته شیعه (کثیرعزه، کمیت بن زید، سید حمیری و دعبل خزاعی)» از اقبالی (۱۳۹۳) است که دیدگاه ناقدان عرب را درباره شاعران مذکور بررسی کرده است. وی در برابر انتقاد ناقدان، از دعبل به عنوان شاعر

اهل بیت (علیهم السلام) دفاع و دیدگاه بسیاری از آنان را با استدلال رد کرده است. در زمینه ادبیات پایداری نیز پژوهش‌های بی‌شماری انجام گرفته است. سرآمدترین مجله در این زمینه، نشریه «ادبیات پایداری» دانشگاه شهید باهنر کرمان است که مقاله‌های متعددی در آن به چاپ رسیده است. چنان‌که اشاره شد، تا به حال به بسیاری از جنبه‌های اشعار دعبل، چه از لحاظ فرم اشعار و چه از نظر محتوا، پرداخته شده است؛ اما پژوهشی که سیمای پایداری در اشعار رضوی دعبل را بررسی کند، یافت نشد.

۲. پردازش موضوع

۱-۲ ادبیات پایداری

ادبیات پایداری مجموعه آثاری است که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید. «ادبیات پایداری تداعی‌کننده ایستادگی و پافشاری حق در برابر ظلم و مشوّق استقامت و پایداری در راه هدف، در تمامی ادوار و اعصار است. در عمق این ادبیات، حقیقت‌خواهی و امید به آینده، همواره در قلب کاتبان و شاعران آن نهفته است.» (مختاری و وفایی‌خوش، ۱۳۹۴: ۳۰۴). این نوع ادبی از دیرینه‌ای کهن برخوردار است و از روزگار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) در ادبیات عرب دیده می‌شود و نشان‌دهنده مقاومت و ایستادگی مردم برای دفاع از آرمان‌هایشان است. دعبل خزاعی از جمله شاعرانی است که دیوانش سرشار از جلوه‌های پایداری و استقامت در دفاع از اهل بیت (علیهم السلام) است. این پژوهش کوشیده است مؤلفه‌های این ادبیات را در اشعار رضوی شاعر بررسی کند.

۲-۲ واکاوی مؤلفه‌های پایداری در قصاید رضوی دعبل

اگرچه دعبل به‌عنوان شاعر ادب پایداری شناخته نشده است، اما ضمن پرداختن به زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام) و امام‌رضا (علیه‌السلام)، سختی‌ها، رنج‌ها و ظلم‌و‌ستم زمانه در حق ایشان را به‌تصویر کشیده و با شناساندن چهره‌ی ظالمان و بیان بیدادگری‌های آنان، نمونه‌ی بارز و والایی از ادبیات مقاومت را خلق کرده است. مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری در اشعار رضوی دعبل را می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

۲-۲-۱ ارج نهادن به سرزمین‌ها و آثار باقی‌مانده از امام (علیه‌السلام)

سرزمین و وطن نمونه‌ی بارزی از مؤلفه‌های پایداری است که از دیرباز در شعر شاعران جایگاه والایی را به خود اختصاص داده است و شاعران عرصه‌ی پایداری پیوسته در اشعار خویش، نگاه ویژه‌ای به آن داشته‌اند. دعبل در جای‌جای دیوانش هرگاه از امام‌رضا (علیه‌السلام) سخنی می‌گوید، نگاهش متوجه سرزمینی است که گام‌های امام (علیه‌السلام)، با آن متبرک شده است. نه تنها سرزمین، بلکه آثار باقی‌مانده از ایشان نیز برای دعبل ارجمند و دوست‌داشتنی است.

قلب دعبل همواره برای طوس می‌تپد و از آن به نیکی یاد می‌کند. عشق دعبل به وطن، متعلق به سرزمین مادری او نیست، بلکه سرزمین مقدس او طوس است که هشتمین اختر تابناک ولایت و امامت (علیه‌السلام) در آن حضور دارد.

أَلَا أَيُّهَا الْقَبْرِ الْغَرِيبُ مَحَلُّهُ بِطُوسٍ عَلَيْكَ السَّارِيَاتُ هُتُونُ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۱۷۸)

(ترجمه: هان! ای قبر غریبی که جایگاه آن در طوس است! ابرهای شبانه همواره بر تو ببارند.)

امام رضا (علیه السلام) نه تنها در زمان حیات، بلکه بعد از حیات نیز همچنان اسوه و نمونه و سرمشق شاعری همچون دعبل بودند؛ به گونه‌ای که دعبل از قبر این بزرگوار نیز که در سرزمین طوس قرار گرفته است، به خوبی یاد کرده و دستانش را به درگاه خداوند بالا برده و برای او دعا می‌کند. طوس مقامی والا می‌یابد، زیرا قبر یکی از غریب‌ترین امامان معصوم (علیهم السلام) در آن قرار گرفته است.

دعبل از شدت علاقه و شیفتگی به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ویژه امام رضا (علیه السلام)، بر شهر طوس غبطه می‌خورد زیرا محل شهادت امام رضا (علیه السلام) است و همین امر، آن را مقامی والا و ارجمند می‌بخشد:

و قَضَى غَرِيبًا بِطُوسٍ مِثْلَ الْحُسَامِ الْمُجَرَّدِ
یا طوسِ طوباکِ قَدْ صِرَ تِ لَا بِنِ أَحْمَدَ مَشْهَدِ

(همان: ۹۸)

(ترجمه: مانند شمشیری از نیام برآمده، غریبانه به شهر طوس گذر نمود./ ای شهر طوس خوشا به حالت! که محل شهادت فرزند حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) شدی.)

مرقد امام و وطنی که اکنون محل دفن ایشان است، چندان والا و عظیم است که هر حاجت و نیازی را برآورده می‌سازد و دعبل همه را برای برآوردن حاجاتشان بدان فرا می‌خواند. شاعر با مقایسه امام اهل بیت (علیهم السلام) و حاکم شرور وقت، هارون الرشید، تقابل خیر و شر را در بیتش به تصویر می‌کشد. قبر پاک‌نهادترین افراد یعنی امام رضا (علیه السلام) و قبر شریرترین انسان‌ها که مایه پند و عبرت است:

إِرْبَعُ بِطُوسٍ عَلَى قَبْرِ الزَّكِيِّ بِهَا إِنْ كُنْتَ تَرَبُّعٌ مِنْ دِينٍ عَلَى وَطَرٍ
قَبْرَانِ فِي طُوسٍ خَيْرُ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ وَ قَبْرُ شَرِّهِمْ هَذَا مِنَ الْعَبَرِ

(همان: ۱۰۷)

(ترجمه: اگر می‌خواهی از دین نیاز و آرزویی را مطالبه کنی، در طوس مقابل آن قبر پاک(قبر امام رضا(علیه‌السلام)) درنگ کن./ دو قبر در شهر طوس، یکی قبر بهترین مردم و دیگری قبر بدترین آنها در جوار هم قرار دارند؛ که مایهٔ عبرت است.)

۲-۲-۲ دعوت به مبارزه

«دعوت به قیام، ایستادگی و تداوم مبارزه، روح ادب پایداری است.» (سنگری، ۱۳۸۹: ۶۵). دعوت به پایداری از عناصر مهم پایداری به‌شمار می‌رود. دعبل جوانمردی آزاده است که هیچ‌گاه در برابر دستگاه جور بنی‌عباس سر تعظیم و تسلیم فرود نیاورد.

چنان‌که شاعر، چهرهٔ ظالمانه و مستبد دشمن را به تصویر می‌کشد، به همان اندازه و شاید بیشتر، مردم را که حامیان امام و دوستداران وی هستند، تحریک به مبارزه می‌کند. برانگیختن حس دعوت به مبارزه، از جمله وظایف خطیر شاعر شیعی است. دعبل برای فراخواندن مردم و سایر توده‌ها به مبارزه بر ضد حاکمان و دشمنان امام رضا(علیه‌السلام)، گاهی تهدید به انتقام را روشی ایده‌آل و مناسب می‌یابد. وی با عشق و علاقه‌ای که به خاندان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) دارد، قوم خویش را به قیام علیه ستمگران فرامی‌خواند.

خلفای عباسی همان مزدورانی بودند که در زمان امام رضا(علیه‌السلام) سختی‌های بسیاری را بر وی تحمیل کردند. از این‌رو، شاعر تاب‌وت‌حمل این سختی‌ها را ندارد و ندای مبارزه سر می‌دهد و خونخواهی اهل بیت(علیهم‌السلام) را از قوم خویش طلب می‌کند. دعبل در دعوت به مبارزه بسیار کوبنده و مصمم است تا آن‌جاکه مردم را به کارزار با دشمنان اهل بیت(علیهم‌السلام) و عباسیان فرامی‌خواند تا کشتگان بدر را در خاطرشان یادآوری نماید؛ کشتگانی که درندگان و پرندگان جسد آنان را تکه‌تکه کردند و خوردند.

يَقُومُ بِهِ لِلْهَاشِمِيَّاتِ مَاتَمَّ لَهُ ضَجَّةٌ يَبْكِي بِهَا كُلُّ ضَاحِكٍ

تُذَكِّرُهُمْ قَتْلِي بِبَدْرِ تَتَوْشُهُمْ سِبَاعٌ وَطَيْرٌ مِّنْ سِبَاعِ بَوَارِكِ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۷۰)

(ترجمه: به وسیله شمشیر دشمنان برای زنان بنی هاشم سوگی به پا می شود. آن مراسم ماتم، دارای ضجه ای است که هر خندانی را به گریه وامی دارد. / کشتگان بدر را به یادشان می آورد؛ همان کشتگانی که درندگان و پرندگان از جسد آنان خوردند.)

آری پایداری و مقاومت این بار به شکل دعوت به مبارزه جلو می کند و دعبل در جایی، برهانی برای طولانی بودن عمرش بیان می دارد و معتقد است که طولانی بودن عمرش و قرین رنج و سختی اهل بیت (علیهم السلام) بودن، به سبب آن است که روزی شمشیر و نیزه اش را از خون دشمنان امام (علیه السلام) سیراب و ضربات سهمگینی را به آنان وارد کند:

فَإِنْ قَرَّبَ الرَّحْمَنُ مِنْ تِلْكَ مَدَّتِي وَ آخَرَ مِنْ عُمُرِي لِيَوْمِ وَفَاتِي
شَفِيتُ وَلَمْ أَتْرُكْ لِنَفْسِي غُصَّةً وَ رَوَيْتُ مِنْهُمْ مُنْصَلًى وَ قَنَاتِي

(همان: ۶۴)

(ترجمه: اگر خداوند رحمان روزگار مرا قرین این رنج و سختی (رنج و سختی اهل بیت (علیهم السلام) نمود و عمرم را طولانی کرد و روز وفاتم را به تأخیر انداخت به خاطر آن است که ... / خود را شفا داده و دردهایم را تسکین دهم و غصه ای برای خود باقی نگذارم و شمشیر و نیزه ام را از آنان (خون دشمنان اهل بیت) سیراب سازم.)

این جهاد و دعوت به مبارزه از سوی دعبل به حدی است که وی تمام زندگی خود را از برای مبارزه و دفاع از حق اهل بیت (علیهم السلام) می داند و خویشتن را فدای این مبارزه می کند.

سَأَقْصُرُ نَفْسِي جَاهِدًا عَنِ جِدَالِهِمْ كَفَانِي مَا أَلْقَى مِنَ الْعِبْرَاتِ

(همان: ۶۵)

(ترجمه: به سختی جان خویش را از مجادله با آنها باز می دارم، اشک هایی که بر آنان (مصیبت های اهل بیت) می ریزم مرا کفایت می کند).

۲-۳-۲ ترسیم چهره رنج کشیده و مظلوم اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

همواره در طول تاریخ، همزمان با حاکمیت ظالمان و مستبدان، گروهی رنج کشیده و مظلوم هستند که پایه های ادبیات پایداری را تشکیل می دهند. از جمله ویژگی های ادبیات پایداری دعبل، به تصویر کشیدن چهره مظلومانه امامان (علیهم السلام) است. ظلم و ستم در حق اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حدی بود که دعبل روزگار را از هرگونه شادی و خوشی ای منع می کند، زیرا خاندان امامت (علیهم السلام) جز ستم چیز دیگری ندیده اند:

لَا أَضْحَكَ اللَّهُ سِنَّ الدَّهْرِ إِنْ ضَحِكْتَ وَ أَلْ أَحْمَدَ مَظْلُومُونَ قَدْ قُهِرُوا

(همان: ۹۹)

(ترجمه: خداوند دندان روزگار را اگر بخواهد بخندد، نخنداند؛ در حالی که خاندان احمد (علیهم السلام) مظلومانه مورد ظلم و ستم قرار گرفتند).

امامان معصوم (علیهم السلام) بی گناه به شهرهای غریب تبعید و از خانه و کاشانه خویش جدا شدند و در پی اوضاع ظالمانه موجود و ستم ستمگران، با چهره های درخشان و رنج کشیده خویش، آواره دیار تبعید گشتند.

مُسْرَدُونَ نَفَوْا عَنْ عُقْرِ دَارِهِمْ كَأَنَّهُمْ قَدْ جَنَوْا مَا لَيْسَ يُغْتَفَرُ

(همان: ۹۹)

(ترجمه: در حالی که آواره شده بودند از سرزمین خویش تبعید شدند. گویی که

گناهی نابخشودنی مرتکب شده‌اند.

آری مظلومیت ائمه اطهار (علیهم السلام) و رنج‌هایی که از سوی دشمنان بر آنان تحمیل شد، چندان فراوان است که گویی اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) گناهی نابخشودنی مرتکب شده و به سبب آن، سزاوار این همه ستم گشته‌اند. سوگواری و غمگین بودن بر این مصایب، از بارزترین شیوه‌های استقامت است که در طول تاریخ، دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) پیوسته از آن در رنج بوده و به شیوه‌های گوناگون به مبارزه با آن پرداخته‌اند و از برگزاری آن جلوگیری کرده‌اند.

۴-۲-۲ امید به آینده و نوید پیروزی

بشارت به پیروزی ستم‌دیدگان و امید به غلبه قطعی حق، از بارزترین جلوه‌های ادبیات پایداری است که قرآن و روایات نوید آن را داده‌اند. مسئله امید به ظهور مصلح آخر الزمان (عج) قدمتی طولانی دارد به گونه‌ای که حتی قبل از امام زمان (عج) و در زمان امام رضا (علیه السلام) دعبل به این ظهور و آمدن منجی امید داشت.

اگرچه دعبل را شاعر ادبیات پایداری نمی‌شناسند، اما همچون شاعران بزرگ عرصه پایداری، در آثار خویش به ستایش امید به زندگی و نوید پیروزی در راه رسیدن به هدف پرداخته است.

«دعبل چون سیدحمیری اعتقاد دارد امامی غایب هست که باز خواهد گشت و ظلم و ستم بر علویان را از بین خواهد برد و از دشمنان به بدترین شکل انتقام خواهد گرفت.» (مسبوق و دریادل موحد، ۱۳۹۱: ۲۴۴). ستم‌هایی که از سوی بنی عباس در حق امام رضا (علیه السلام) صورت گرفت و در پی آن آزار و اذیت امام به حدی بود که تاب و توان شیعیان آن حضرت را به سر آورده بود. شاعر که از دیدن این همه ظلم و تعدی اندوهناک شده، تنها روزنه امید را ظهور منجی‌ای می‌داند که همه به آمدنش وعده داده‌اند. همین امید به آینده موجب شده است که شاعر تمامی سختی‌ها را با

جان و دل بپذیرد و مؤثرترین عامل پایداری را چنین به تصویر بکشد:

فَلَوْلَا الَّذِي أَرْجُوهُ فِي الْيَوْمِ أَوْ غَدٍ تَقَطَّعَ قَلْبِي إِثْرَهُمْ حَسْرَاتٍ
خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٍ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۶۴)

(ترجمه: اگر نبود آنچه را که در امروز و فردا به آن امیدوارم، قلب من از پی حسرت ایشان پاره پاره می شد. / خروج امامی که بی شک ظهور خواهد کرد و با نام خدا و خیر و نیکی به پا خواهد خاست.)

پس از این بیت امام رضا (علیه السلام) به شدت گریست و فرمود: روح القدس به زبانت سخن گفت. آیا آن امام را می شناسی؟ دعبل عرض کرد: نه، ولی شنیده ام که امامی از شما قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد. (امینی، ۱۳۸۵: ۵۱)

آینده ای که دعبل همچون تمامی شیعیان دیگر منتظر آن است و بدان امید بسته است، ظهور منجی ای را در خود نهفته دارد که با آمدنش حق و باطل را از هم جدا می کند و جزای ستمکاران و ظالمان را می دهد. آری، پایداری در برابر ظلم وقتی محقق خواهد شد که همه بدانند آینده ای روشن در انتظار آنان است؛ آینده ای که پاسخی دندان شکن به دشمنان حق و عدالت را در پی و برای مبارزان این راه، امید پیروزی را به همراه دارد؛ همان آینده ای که حق و باطل را از هم جدا کرده و پاداش و کیفر هر یک را به اهل آن خواهد داد:

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يَجْزِي عَلَى النِّعَمَاءِ وَ النِّقَمَاتِ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۶۴)

(ترجمه: در میان ما حق را از باطل جدا می کند و به نیکی ها و بدی ها کیفر و پاداش می دهد.)

آری، مقاومت در برابر تمامی سختی ها و ستم ها در عصر امام رضا (علیه السلام)،

نویدبخش آمدن روزهای خوب و خوش است که دیری نخواهد گذشت که به وقوع می‌پیوندد. در این صورت است که پایداری و مقاومت معنا پیدا می‌کند. دعبل قوم خویش را به صبوری بر این همه سختی فرامی‌خواند زیرا چیزی نمانده که این اوضاع پایان یابد و آینده روشن فرا برسد.

دعبل شاعری آرمانگراست که روزنه امید در وجودش سوسو می‌زند و عمر این ستم را که گریبانگیر امت و امام او شده است، کوتاه می‌بیند:

فَيَا نَفْسُ طَيِّبِي ثُمَّ يَا نَفْسُ أَبْشِرِي فَغَيْرُ بَعِيدٍ كُلُّ مَا هُوَ آتٍ
وَلَا تَجْزَعِي مِنْ مُدَّةِ الْجَوْرِ إِنِّي كَأَنِّي بِهَا قَدْ أَذَنْتِ بَيِّنَاتٍ

(همان: ۶۴)

(ترجمه: پس ای دل! شاد باش و ای نفس تو را مژده باد؛ که هر آنچه آمدنی است دور نباشد.) / از طولانی شدن مدت ستم منال! گویی که من می‌بینم زمانه ستم، پایان یافتن دوران خویش را خبر می‌دهد.)

۲-۲-۵ رسوا کردن ظالمان به حق اهل بیت (علیهم السلام)

زندگی دعبل در دوران خلافت ظالمانه نه تن از خلفای جورپیشه عباسی سپری شد. بنی عباس بدترین آزارها و ظلم و ستم‌ها را علیه ائمه اطهار (علیهم السلام) مرتکب شدند؛ از زندان گرفته تا شکنجه و مسموم کردن و در نهایت به شهادت رساندن. کسانی که به امام رضا (علیه السلام) ستم کردند، در اشعار دعبل لعن و نفرین شده‌اند. مصیبت شهادت امام (علیه السلام) چنان بر دل شاعر سنگین است که دنیا را پس از او بی‌ارزش دانسته و از ویران شدن و از بین رفتن دنیا ترسی به دل راه نمی‌دهد.

رُزِينَا رَضِيَ اللَّهُ سِبْطَ نَبِينَا فَأَخْلَفَتِ الدُّنْيَا لَهُ وَ تَوَلَّتْ
وَمَا خَيْرٌ دُنْيَا بَعْدَ آلِ مُحَمَّدٍ أَلَا لَا نُبَالِيهَا إِذَا مَا اَضْمَحَلَّتْ

(همان: ۶۷)

(ترجمه: در مصیبت نوۀ پیامبرمان (امام رضا (علیه السلام) که مورد رضایت خداست به سوگ نشستیم. آن بزرگواری که دنیا به او پشت کرده، از ایشان رویگردان شد. دنیا را پس از خاندان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) خیری نیست. آگاه باش که پس از اهل بیت (علیهم السلام) حتی اگر (دنیا) از بین برود، ما را باکی نیست.)

حقوقی که از اهل بیت (علیهم السلام) سلب شده و ناحقی هایی که از سوی خلفا و حاکمان در حق امام رضا (علیه السلام) شده است، دعبل را حسرت زده می کند. ظلم و ستم در حق امامان (علیهم السلام) تا حدی است که حق خلافت و ولایت از ایشان سلب شده و به ناحق، دست نااهلان افتاده است.

أَرَىٰ فِيهِمْ فِي غَيْرِهِمْ مُتَقَسِّمًا وَ أَيْدِيَهُمْ مِنْ فِيْهِمْ صَفِرَاتِ

(همان: ۶۳)

(ترجمه: حقوق و اموال آنان را می بینم که در میان دیگران تقسیم شده است و دست خودشان از آن خالی است.)

اگرچه امامان معصوم (علیهم السلام) راهنمایان راه زندگی بودند، اما زمانه خیانت خود را در حق آنان ثابت نمود؛ زمانه ای که در برابر امام رضا (علیه السلام) دشمنی پیشه نمود و بی وفایی خود را در حق آنان ثابت کرد.

خَانَ الزَّمَانُ بِكُمْ عَلَى رَغَمِ الرَّشَادِ وَمَا وَفَى
وَوَبَّ الزَّمَانُ بِكُمْ فَشَتَّ تَ مِنْكُمْ مَا أُلْفَا

(همان: ۱۳۵-۱۳۶)

(ترجمه: علیرغم هدایتگری شما زمانه در حقان خیانت کرد و به شما وفا ننمود. زمانه در برابر شما دشمنی پیشه کرد و انس و الفت شما را از هم گسست.)

بنی امیه همان گرگ هایی بودند که از هیچ گونه آزار و اذیتی علیه اهل بیت (علیهم السلام) فروگذار نبودند و با سخت گرفتن زندگی و معیشت بر آنان،

موجب شهادت ایشان شدند. دعبل بنی امیه را گرگ صفت معرفی می کند و به افشاگری جنایات آنان می پردازد.

دَعَتْهُمْ ذُنَابٌ مِنْ أُمِّيَّةٍ وَانْتَحَتْ عَلَيْهِمْ دِرَاكُأُ أَرْمَةٌ وَ سِنُونُ

(همان: ۱۶۹)

(ترجمه: گرگ هایی از بنی امیه آنان را طلبیدند و بحران و تنگی معیشت پی در پی باعث به شهادت رسیدن ایشان شد.)

۲-۲-۶ ستایش امام (علیه السلام) برجسته ترین جلوه پایداری

ستایش و برتر دانستن امام رضا (علیه السلام) توسط دعبل، آن هم در عصری که همه به مدح و ثنای حاکمان و خلفای زمان می پرداختند، علاوه بر اینکه گواه جسارت بالای دعبل است، نشان از پایداری در مسیر رسیدن به حق و حقیقت دارد. دعبل جای جای دیوان خود را مزین به نام اهل بیت (علیهم السلام) و به ویژه امام رضا (علیه السلام) می کند و نه تنها رفتار حضرت را اسوه و سرآمد رفتارها می داند، بلکه خردش را استوار و بخشندگی اش را مانند ابری پرباران و در حال ریزش توصیف می کند:

تَرَى سَكَنَاتِهِ فَتَقُولُ غَرُّ
لَهُ سَمَحَاءُ تَغْدُو كُلَّ يَوْمٍ
وَتَحْتَ سُكُونِهِ رَأْيٌ ثَقِيفٌ
بِنَائِلِهِ وَ سَارِيَّةٌ تَطُوفُ

(همان: ۸۰)

(ترجمه: هنگامی که رفتارش را مشاهده می کنی، می گویی بی تجربه است در حالی که در پشت آرامش او اندیشه ای درست و محکم نهفته است. / دستی بخشنده دارد که هر روز با بخشش و سخاوت او صبح را آغاز و شب را با عطا و دستگیری از مستمندان، به پایان می رساند.

دوستی و علاقه دعبل به امامان و به ویژه امام رضا (علیه السلام) تا بدان جاست که

خویشاوند واقعی خود را کسی می‌داند که دوستدار اهل بیت (علیهم السلام) است. شاعر خویشاوندان دور با این ویژگی را بر نزدیکان و یاران خویش نیز برتری می‌دهد.

أَحِبُّ قَصِيَّ الرَّحْمِ مِنْ أَجَلِ حُبِّكُمْ وَأَهْجُرُ فَيْكُمُ أَسْرَتِي وَبَنَاتِي

(همان: ۶۳)

(ترجمه: به سبب علاقه به شما، به خویشاوندان دور ابراز محبت و دوستی می‌کنم و به خاطر شما خانواده و دخترانم را ترک می‌کنم.)

نکته مهم از پایداری شاعر در بیت فوق آن است که عزیزان و خویشان خود را ترک گفته و حتی دختران که نیازمند سرپرست هستند نیز او را از مقاومت در راه آرمانش باز نمی‌دارند.

۷-۲-۲ گریه، سلاحی برای مبارزه

با استناد به دعای کمیل، آنجا که حضرت امیر (علیه السلام) می‌فرمایند: «إِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ، إِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ» (بیامرز کسی را که جز دعا چیزی ندارد، ترحم فرما بر کسی که سرمایه‌اش امید و سلاحش گریه و زاری است) گریه سلاحی برای مبارزه آمده است. از این رو، در حیطه ادبیات پایداری قرار می‌گیرد. دعبل شاعر دل سوخته و شوریده اهل بیت (علیهم السلام) در پی سفر اجباری امام رضا (علیه السلام) از مدینه به مرو، در فراق آن امام همام عاشقانه اشک حسرت ریخت. چکامه «مدارس آیات» او گواه همین عشق و شیدایی است.

«او زمانی که به گریه بر اهل بیت (علیهم السلام) می‌پردازد، اشعارش به سوی صدق و حرارت بال می‌گشاید و زمانی که به رثای امام حسین و امام رضا (علیهما السلام) روی می‌آورد، نشان حزن و اندوه بیش از پیش بر اشعارش نمایان می‌شود.» (عویضه، ۱۴۱۳ق: ۲۰۴). «وی از جمله شاعرانی است که با فصاحت و بلاغت خود به شعر

«بکاء» پایه‌ای قوی می‌بخشد.» (نعمتی و امیری، ۱۳۹۴: ۱۶۱). او همه هنر خود را وقف توصیف غم و اندوهی می‌کند که شهادت جانخراش امام (علیه‌السلام) مسبب آن است و گریه را بهترین سلاح برای مبارزه می‌داند.

أَلَا مَا لِعَيْنِي بِالْدموعِ اسْتَهَلَّتْ وَ لَوْ نَفَدَتْ مَاءُ الشُّوْنِ لَقَلَّتْ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۶۷)

(ترجمه: چشمانم را چه شده که اشک‌ها از آن جاری است؟ و اگر آب مجرای اشک تمام می‌شد، در برابر عشق به آن امام، اندک است.)

امام رضا (علیه‌السلام) کسی بود که تمام موجودات برای او گریستند؛ حتی آسمان و زمین. دعبل مقام او را بلندمرتبه‌تر از قله‌ها می‌داند:

عَلَى مَنْ بَكَتُهُ الْأَرْضُ وَاسْتَرْجَعَتْ لَهُ رُؤُوسُ الْجِبَالِ الشَّامَخَاتِ وَ ذَلَّتْ
وَ قَدْ أَعْوَلَتْ تَبْكِي السَّمَاءُ لِفَقْدِهِ وَأَنْجُمُهَا لَاحَتْ عَلَيْهِ وَكَلَّتْ

(همان: ۶۷)

(ترجمه: [اشک‌هایم را جاری می‌کنم] بر کسی که زمین برایش گریست و کوه‌های سربلند و استوار برای او جمله «إنا لله و إنا اليه راجعون» سر داده و خوار شدند. / آسمان از بهر وی گریست و ستارگان آن در غم فقدان او کم‌سو و در تابیدن گُند گشته‌اند.)

سَأَبْكِيهِمْ مَا ذَرَفِي الْأَفْقِ شَارِقُ وَ نَادَى مُنَادِي الْخَيْرِ بِالصَّلَوَاتِ
وَ مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَ حَانَ غُرُوبُهَا وَ بِاللَّيْلِ أَبْكِيهِمْ وَ بِالْغَدَوَاتِ

(همان: ۶۴)

(ترجمه: تا زمانی که درخشنده‌ای در آسمان می‌درخشد و منادی خیر برای نمازها و دعا ندا می‌دهد، برای ایشان (اهل بیت) گریه و زاری می‌کنم. / هنگام طلوع خورشید و هنگام غروب آن و شبانگاه و بامداد برای ایشان گریه می‌کنم.)

«دعبل به عنوان یک شاعر آگاه سیاسی متعهد، علاقه مند به خاندان پیامبر (علیهم السلام) به ویژه امام زمانش، حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) آرزومند حاکمیت اسلام و معتقد به ولایت و حکومت امامان معصوم (علیهم السلام) بود و نمی توانست در برابر انتقال امام به خراسان و خاموشی شعله های سرکش قیام های کوفه و مدینه، بی اعتنا باشد. او با سفر اجباری امام رضا (علیه السلام) به مرکز خلافت و خالی شدن مدینه از نور وجود حجت خدا، به یاد مظلومیت خاندان عصمت در دو قرن گذشته افتاد و بار دیگر تار و پود جانش در آتش جفاها، ظلم ها و حق کشی هایی که بنی امیه و بنی عباس در طول دوست سال بر علی (علیه السلام) و خاندان مطهرش (علیهم السلام) روا داشته بودند، سوخت. سوز درونی شاعر در تک تک ابیات این قصیده جاودانه شعله می کشد.» (قلی زاده، ۱۳۷۳: ۵۵). دعبل در رثای امام رضا (علیه السلام) با ابیاتی سوزناک و مملو از حسرت و آه، این گونه نوحه سرایی می کند:

یا حَسْرَةً تَتَرَدَّدُ وَ عِبْرَةً لِّیْسَ تَنْفَدُ
علی عَلَیِّ ابْنِ موسی اب نِ جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ

(خزاعی، ۱۹۹۷م: ۹۸)

(ترجمه: ای حسرتی که مدام در حال رفت و آمد هستی و ای گریه ای که پایان نمی پذیری / بر حضرت علی بن موسی بن جعفر بن محمد (امام رضا).

دعبل به چشمانش فرمان گریه هر چه بیشتر را می دهد تا سوز دلش بدین روش آرام گیرد:

وَ یا جُفُونِی اسْتَهْلِی وَ یا فُؤادی تَوَقَّدِ
فَیا عَیْنُ بَکْیِهِمْ وَ جودی بَعْبِرِ فَقَدْ آنَ لِلتَّسْکابِ وَالْهَمَلاتِ

(همان: ۹۹)

(ترجمه: پس ای اشک چشمانم جاری شو و ای قلبم بسوز و زبانه بکش / پس ای

چشم! با بغضی وجودم را از بهر ایشان گریان کن که زمان اشک ریزان و گریه فرا رسیده است).

۸-۲-۲ هجو دشمنان امام رضا (علیه السلام)

در هر دوره‌ای از تاریخ ادبیات عرب، ظالمان و مستبدانی بوده‌اند که علیه سایر اقشار جامعه ستم روا داشته‌اند. در زمان امام رضا (علیه السلام) حکومت بنی عباس با مزدوری تمام بر ضد امام و شیعیان و حامیان وی به پا خاسته بود. همان حاکمان مستبدی که دعبل در ضمن شناساندن چهره منفور آنان به سایرین، مردم را گاه به پایداری و گاه مبارزه علیه آنان فرامی خواند.

از شاخصه‌های مهم در شعر دعبل، هجوگویی اوست. رسالت والای او مذمت و کینه‌توزی علیه دشمنان حق و حقیقت بود. او آمده بود تا با شناساندن مزدوران عباسی در اشعار خویش، پرده از جهالت بدرد و دشمن را به خاک سیاه بنشاند.

قَدْ قُلْتُ إِذْ غَيَّبُوهُ وَأَنْصَرَفُوا	فِي شَرِّ قَبْرِ لَشَرِّ مَدْفُونٍ
أَذْهَبَ إِلَى النَّارِ وَالْعَذَابِ فَمَا	خَلَّتْكَ إِلَّا مِنَ الشَّيَاطِينِ
مَازَلَتْ حَتَّى عَقَدْتَ بَيْعَةَ مَنْ	أَضَرَّ بِالْمُسْلِمِينَ وَالْدِّينِ

(همان: ۳۴۳-۳۴۴)

(ترجمه: پس از آنکه او (معتصم عباسی) را در قبری پلید که برای مرده‌ای پلید تدارک دیده شده بود پنهان کردند، گفتیم: / به آتش جهنم برو و از عذاب برخوردار شو، که در نظر من، تو جز شیطان چیز دیگری نیستی / تا زمانی که زنده بودی پیوسته تلاش کردی تا بیعت کسی را که به مسلمانان و دین زیان و خسارت وارد کرد، منعقد نمایی.)

قسمت اعظم دیوان دعبل را هجو دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در بر می گیرد.

پس از آنکه مأمون، حضرت رضا(علیه السلام) را به ولایتعهدی برگزید و لباس سیاه را که شعار عباسیان بود، به لباس سبز که شعار علویان بود، تبدیل کرد و به آنها روی خوش نشان داد، دعبل موقتاً از هجو عباسی ها دست کشید ولی زمانی که مأمون، بار دیگر و پس از شهادت امام رضا(علیه السلام) لباس سیاه را به جای لباس سبز برگزید و دوباره دشمنی و آزار و اذیت علویان را از سر گرفت، دعبل نیز شروع به هجو آنان کرد و رجال دولت عباسی و به ویژه معتصم و متوکل را به شدت هجو نمود. وی با زبان تند و گزنده خود، با سلاح هجو و مذمت، چهره ظالم عباسیان و به خصوص هارون الرشید را به همگان معرفی کرد:

وَسَمَّوْا رَشِيدًا لَيْسَ فِيهِمْ لِرُشْدِهِ
وَهَا ذَاكَ مَأْمُونٌ وَذَاكَ أَمِينٌ
فَمَا قُبِلَتْ بِالرُّشْدِ مِنْهُمْ رِعَايَةٌ
وَلَا لَوْلَا بِالْأَمَانَةِ دِينٌ

(همان: ۱۶۹)

(ترجمه: کسی را رشید نامیدند که از شعور و هدایت برخوردار نبود؛ آن هم مأمون و آن دیگری امین/ هیچ حمایتی درخصوص هدایت از آنان پذیرفته نشد و هیچ یک از حاکمان آنان در امانتداری دین نداشت.)

۳. نتیجه گیری

از آنچه در این پژوهش به آن پرداخته شد، نتایج زیر حاصل گردید:

- دعبل خزاعی اولین کسی است که در ادبیات عرب، درباره مقام شامخ امام علی بن موسی الرضا(علیهما السلام) شعر سروده است. شعر او همچون تیر سرکش قهاری است که با کمترین خطا و بیشترین نتایج، رسواکننده و افشاگر جنایات ها و اصحاب ظلم و ستم بنی عباس و دستگاه های جاری زمان خود بوده است. این شاعر متعهد، با وجود تمام خطر ها و محرومیت ها، لحظه ای در اثبات حقایق اهل بیت(علیهم السلام) تردید نکرده است.

- یاد دیاری که امام رضا (علیه السلام) را در بر می گیرد و گریستن بر خانه های خالی از سکنه اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دعوت به مبارزه، امید به آینده و نوید پیروزی، رسوا کردن حاکمان ستمگر، به تصویر کشیدن مظلومیت امام رضا (علیه السلام) و هجو دشمنان آن حضرت، از برجسته ترین مضامین ادبیات پایداری است که دعبل در شعر خویش به تصویر کشیده است.

- سروده های دعبل در دفاع از حق اهل بیت (علیهم السلام) و پایداری او در این مسیر سخت و پرحادثه، سبب شد تا شاعر سالیان طولانی از عمر خویش را در آوارگی به سر ببرد و سرانجام جان خویش را در همین راه تقدیم کند.

منابع و مآخذ

- احمدی چناری، علی اکبر؛ احمدی، پریسا. (۱۳۹۴). «سیمای امام رضا (علیه السلام) در آینه شعر دعبل خزاعی و نظیری نیشابوری». کاوش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی). س ۵. ش ۲۰: ۱-۱۷.
- اقبالی، مسعود. (۱۳۹۳). «دیدگاه های ناقدان عرب درباره شخصیت و شعر شاعران برجسته شیعه» (کثیر عزه، کمیت بن زید اسدی، سید حمیری و دعبل خزاعی). یحیی معروف. پایان نامه تحصیلی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه رازی کرمانشاه.
- الفاخوری، حنا. (۱۳۸۰). تاریخ الادب العربی. چاپ دوم. تهران: انتشارات توس.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۵). دادگستر جهان. چاپ سوم. قم: نشر شفق.
- رضایی سهل آبادی، غلامرضا. (۱۳۹۴). «اهل بیت در شعر دعبل خزاعی». عباس طالب زاده شوشتری. پایان نامه تحصیلی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- خزاعی، دعبل. (۱۹۹۷م). دیوان اشعار. مترجم: ضیاء حسین الأعلمی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- عویضه، کامل محمد. (۱۴۱۳ق). الصورة الفنية فی شعر دعبل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طالعی، عبدالحسین. (۱۳۹۲). «راهنمای پژوهش درباره دعبل خزاعی». فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه. س ۱۱. ش ۴۱: ۱۹۰-۱۷۰.
- قلی زاده، مصطفی. (۱۳۷۳). دعبل خزاعی، شاعر دار به دوش. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مختاری، قاسم؛ وفایی خوش، قدرت الله. (۱۳۹۴). «جلوه های پایداری در شعر عبدالرحمن العشماوی؛ نمونه مورد پژوهش: قصیده فتی فلسطینی یتحدث». نشریه ادبیات پایداری کرمان. س ۷. ش ۱۲.
- مسبوق، سیدمهدی و دریادل موحد، اعظم. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی دو قصیده تأییه دعبل خزاعی و طلائع بن رزیک در مدح اهل بیت (علیهم السلام)». مجله ادب عربی. س ۴. ش ۴: ۲۴۶-۲۲۳.
- نعمتی، فاروق؛ امیری، جهانگیر. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی منقبت رضوی در شعر عربی و فارسی؛ مطالعه موردی: شعر دعبل خزاعی و بابافغانی شیرازی». همایش بین المللی علمی - پژوهشی امام رضا (علیه السلام) در ادبیات تطبیقی فارسی و عربی. انتشارات یار دانش: ۱۷۰-۱۵۰.

